# الگوی تهاجم ترکیبی در منظومه فکری حضرت امام خامنه‌ای
## (مدظله‌العالی)

مهدی منصورنژاد[1]، علی‌رضا غلامی[2]

## چکیده

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در بحث مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن بر این باورند که همواره برای مقابله با تهاجم ترکیبی و دسته‌جمعی دشمن، نمی‌توان در موضع دفاعی باقی‌ماند! بلکه باید در زمینه‌های مختلف از جمله رسانه‌ای، امنیتی و اقتصادی تهاجم ترکیبی نمائیم. آگاهی‌بخشی به مخاطبین و افزایش اعتمادبه‌نفس آنها در برابر جنگ ترکیبی و شناختی از طریق جهاد تبیین لازمه مواجهه با تهاجم ترکیبی است.

بازنمایی واقعیت‌های امیدبخش به‌شکل صادقانه و هنرمندانه برای مردم، پیام‌آور امید و امیدواری است به‌شرط آنکه این واقعیت‌ها به شکل صادقانه و هنرمندانه به مردم منتقل شود. ایجاد و تقویت مؤلفه‌های قدرت داخلی و صیانت از آنها با بیان کارهای بزرگ و حماسه‌آمیزی در طول این چند دهه در عرصه‌های گوناگون همچون اقتصادی، اجتماعی، عمرانی، آموزشی، بهداشت و درمان، صنعتی، دینی و فرهنگی، دیپلماسی و سیاسی، دفاعی و امنیتی مهم‌ترین پشتوانه برای مقابله با تهاجم ترکیبی دشمنان است.

اطلاع‌رسانی به‌موقع و حفظ ابتکار عمل در خبررسانی دقیق با تکیه‌بر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مستلزم نوعی مهندسی در حوزه اخبار است که با تکیه‌بر فناوری‌های نوین محقق می‌گردد. مدیریت فضای مجازی و صیانت از آحاد مردم و به‌ویژه جوانان در برابر آسیب‌ها و چالش‌ها حداقل به‌میزانی که خود کشورهای غربی عمل می‌کنند و تشویق به استفاده از شبکه‌های بومی و تقویت آنها گامی آغازین در این مسیر است.

---

۱. مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)،

۲ . مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، Alirgholamy@gmail.com.

ازاین‌رو، در راستای پرداختن به منظومه فکری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مباحثی همچون تقابل ایران اسلامی با غرب، نقش رسانه‌های ارتباط جمعی، مدیریت ادراک، جنگ ادراکی، خاستگاه جنگ ادراکی عناصر جنگ ادراکی، شگردهای جنگ ادراکی و ...، سعی شده به بررسی و تبیین ابعاد تهاجم ترکیبی و راه‌های مقابله با آن پرداخته شود.

**واژگان‌کلیدی:** حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، منظومه فکری رهبر فرزانه انقلاب، جنگ ترکیبی، تهاجم ترکیبی.

**مقدمه**

مبارزه با نظام سلطه و استکبار جهانی از اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی بوده و هست. شاید بتوان مهم‌ترین دشمن این انقلاب را همین نظام سلطه دانست. آشنایی با ماهیت نظام سلطه و استکباری و ویژگی‌ها و نحوه عملکرد آن خصوصاً از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که پرچم‌دار مبارزه با نظام سلطه است از ضروریات بارز انقلاب اسلامی است.

از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نظام سلطه ویژگی‌هایی همچون سیاست کلان؛ بردگی ملت‌ها، تحمیل رویکردها به سایر ملل، پیشرفت سلطه‌گران، تبلیغات و بزرگ‌نمایی، تهدید و ارعاب ملت‌ها، دفاع از اسرائیل، متکی به بنگاه‌های بزرگ اقتصادی جهان، ریاکاری و نفاق دارد و ابزار نظام سلطه جهانی از دیدگاه رهبری شامل ابزارهای فرهنگی و تبلیغی، حقوق بشر، علم و فناوری، سازمان بین‌المللی، ابزارهای اقتصادی، مداخله نظامی و ابزارهای امنیتی می‌باشد.

موضع جمهوری اسلامی ایران در برابر نظام سلطه از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، گفتمان نظام اسلامی، فریاد و افشاگری علیه ظلم و سلطه، عدم پذیرش نظام سلطه‌گر سلطه‌پذیر و نابودی سلطه، تولید علم و تقویت ایمان، حفظ شعارهای ضدآمریکایی و مبارزه دائمی است. از دیدگاه معظم له، مبارزه با استکبار و نظام سلطه تعطیل‌پذیر نبوده و حتی جزو کارهای اساسی و جزو مبانی انقلاب اسلامی است (دهشیری و سلامت، ۱۳۹۸).

**تقابل ایران اسلامی با غرب**

به نظر می‌رسد تقابل ایران با غرب به نظام فکری‌شان بر می‌گردد. نگاه غرب، نگاه «انسان‌محوری»[۱] و «انسان‌گرایی»[۲] است. این نوع نگاه مختص زمانی که در آن بسر می‌بریم نیست بلکه از مدت‌ها قبل «اومانیسم»[۳] شروع شده و تداوم داشته و دارد. در آمریکا این

---

۱.□□□□□□□□□□□□□□□□

۲.□□□□□□□□

۳.□□□□□□□□

نگاه به اوج خود رسیده است. در یک نگاه اصالت لحظه، اصل سود، اصل منفعت و ثروت اهمیت دارد. هر چیزی به این امر کمک کند مورد تائید آن‌هاست والا تقابل می‌شود و آن‌ها غیر این نگاه را تحمل نمی‌کنند! به همین خاطر است که ۴۴ سال است با انقلاب اسلامی در افتاده‌اند. چرا که این انقلاب، بنیاد فکری غرب را زیر سئوال برده است.

در نگاه آرمانی انقلاب فقط ثروت، قدرت و منفعت اهمیت ندارد بلکه چیز دیگری به نام «تکلیف‌گرایی» انسان وجود دارد. انسان مکلف در این دنیا چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا همه چیز دنیاست؟ با این که آن‌ها خود را مذهبی می‌دانند. اگر مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های رؤسای جمهور آمریکا را گوش کنید همه می‌گویند از طرف خدا مأموریت پیدا کرده‌اند تا به سمت ثروت و قدرت بیش‌تر بروند. در واقع آن‌ها به سمت جنایت بیش‌تر می‌روند. این میزان جنایت را چرا انجام می‌دهند، اگر از سوی خداوند مأمور شده‌اند؟ هیچ کشتار و جنایتی در دنیا نیست که یک طرف آن آمریکا نباشد. حضرت امام خمینی (ره) از ابتدا فرمودند: «آمریکا، شیطان بزرگ» است. اصل قضیه را امام (ره) مطرح کرد و دشمن اصلی انقلاب را آمریکا قلمداد کرد چرا که آمریکا نماد تمدن غرب است.

واقعیت این است این دو نگاه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نمود بیش‌تری پیدا کرد چرا که در دوران جنگ سرد، لیبرالیسم دشمنی به نام شوروی و کمونیسم داشت. تفکر کمونیست از درون دچار تناقض‌های درونی و عملکردی شده بود و به همین خاطر نتوانست تداوم پیدا کند. این واقعیتی بود که در نامه حضرت امام خمینی (ره) به گورباچف هم پیش‌بینی شده بود. حضرت امام خمینی (ره) در آن نامه گورباچف را به اسلام دعوت کرده بود و از وی خواسته بود تا علمای خود را به قم بفرستد تا به آن‌ها آموزش دهند که دنیای دیگری هم وجود دارد. زمانی که وزیر خارجه اتحاد جماهیر شوروی پاسخ نامه را آورد، امام (ره) چه برخوردی کرد؟ امام (ره) فرمود من می‌خواستم دنیای جدیدی به شما نشان دهم ولی نفهمیدید ... لذا امام (ره) جلسه را ترک کرد.

کمونیسم تناقضات درونی داشت و فرو پاشید. اتفاقاً یکی از علل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، انقلاب اسلامی ایران بود چرا که بر مبنای تبلیغات غیرمذهبی آن‌ها، دین

---

۴.□□□□ □□□□□□□□□□□

را افیون توده‌ها می‌دانستند! اما در قرن بیستم، یک انقلاب دینی به وجود می‌آید. تبلیغات کرده بودند کار دین تمام است و خود را با لیبرالیسم مقایسه می‌کردند ولی انقلاب دینی آمد و ایده‌های جدیدی مطرح کرد که ماندگار شد و مقابل غرب ایستاده است. تناقضات درونی غرب را این انقلاب در همه ابعاد اعم از سیاسی، نظامی، منطقه‌ای، تفکر اقتصادی و لیبرالیسم به چالش کشید.

به‌گفته رهبر فرزانه انقلاب (مدظله‌العالی)، دشمن حتی درک نمی‌کرد سّر این ناامیدی چیست؟ این گفته را ناظر به چه موضوعی می‌داند؟ به نظر می‌رسد این رابطه «امام و مأموم»، رابطه «انسان با خدا»، رابطه «مذهب و دین» در حیات بشری مبتنی بر نظام ولایت‌فقیه در مجموع باعث می‌شود مردم در عین داشتن مشکل هم‌چنان به مقاومت خود ادامه دهند. در زمان جنگ هشت ساله ایران و عراق مردم حاضر در صحنه، به رغم تحریم تحمل می‌کردند. در بحث «تبعیت‌پذیری»[1] و «تکلیف‌گرایی»، انسان «مکلف» و «تکلیف‌گرا»[2] اهمیت دارد.

تلاش‌های زیادی از سوی موسسات فکری در آمریکا و غرب برای ایجاد مشکل و برهم زدن این رابطه صورت گرفت ولی در این رابطه دلی، طرف حاضر می‌شد در راه خدا «شهید» شود و به همین خاطر است که انسان «شهادت‌طلب» در این قرن با انقلاب اسلامی مطرح می‌شود. بنابراین چون این رابطه، «معنوی» است، غربی‌ها هنوز موفق به درک آن نشده‌اند. معنویت هم در غرب به افتضاح کشیده شده است. این رابطه معنوی را اگر طرف اعتقاد نداشته باشد نمی‌تواند درک کنند. این سئوال مطرح است که چرا غربی‌ها هنوز نتوانسته‌اند موفق شوند و تمام توطئه‌های آن‌ها خنثی می‌شود؟ به خاطر نگاه «تکلیف‌گرایی» است که در مردم ایران وجود دارد یعنی به جاهای حساس می‌رسد خطوط قرمز را رعایت می‌کنند یعنی از آن خطوط قرمز عبور نمی‌کنند چون ولی‌فقیه در رأس است و تشخیص می‌دهد و مقاومت شکل می‌گیرد.

---

۱. □□□□□□□□□□

۲. □□□□ □□□□□□□□

به راستی کشورهایی که سازش کردند چه جایگاهی دارند؟ مصر، لیبی و ... سازش کردند، به کجا رسیدند؟ اگر مقاومت می‌کردند این بلاها را تحمل نمی‌کردند. هزینه مقاومت کم‌تر از هزینه سازش است. اقتدار و غرور ملی پشت این راهبرد است. آنچه آن‌ها نفهمیدند رابطه «امام و امت» است که از چه جنسی است؟ این جنس خواندنی نیست!

آن‌ها اندیشکده‌های قوی دارند، خوب پول خرج می‌کنند و خوب هزینه می‌کنند ولی درک حضوری ندارند. حس این امر را نمی‌فهمند. مردم ما با جان و دل به حرف امام (ره) و ولی‌فقیه گوش می‌کنند البته مشکلاتی هم دارند. در این شکی نیست و مردم هم گله می‌کنند ولی سر بزنگاه‌ها وقتی یک اشاره‌ای از امام (ره) و رهبری می‌شود مردم خود را نشان می‌دهند.

امروز ما با یک امپراتوری رسانه‌ای مواجه هستیم که دست غربی‌هاست و با کمک این ابزار روایت‌سازی کرده و سعی می‌کنند روایت خود را جهانی کنند و حق جلوه دهند. به تعبیری می‌توان گفت «جنگ اراده‌ها» هم هست. می‌خواهند با این شیوه، اراده ملت ایران و مسؤولین را عوض کنند. واقعیت این است که مدل ادراک انجام می‌دهند چون این روش چهار وجهه دارد:

- تصویری که از خود به دنیا ارائه می‌دهند؛
- تصویری که از ما به دنیا ارائه می‌دهند؛
- تصویری که از ما به ملت ایران ارائه می‌دهند؛
- تصویری که از خود برای ملت خودشان ترسیم می‌کنند.

لذا مبتنی بر همین تصویرسازی می‌خواهند جای «شهید» و «جلاد» را عوض کنند. البته این‌ها می‌خواستند ایران در قضیه هسته‌ای کوتاه بیاید. دنبال چند سناریو رفتند که یکی توقیف کشتی‌ها به‌دستور آمریکا بود که البته برای آن‌ها اساساً کارایی نداشت. چون واکنش قاطع ایران را دیدند و دریافتند که ما در این حوزه‌ها با کسی تعارف نداریم. قبلاً کشتی ما را انگلیسی‌ها گرفتند و مقابله به مثل کردیم و این بار مقابله به مثل ما به جای یکی، دوتاست. چون یک کشتی جواب نمی‌دهد، یک کشتی را بگیرند دو کشتی را توقیف می‌کنیم. جالب این است که یونان عضو ناتو هم بود. در واقع کشتی ناتو را گرفتیم. البته آن‌ها بر اساس قدرت رسانه‌ای خود سعی کردند حقایق را وارونه نشان دهند ولی ما هم در

اندازه خود سعی کردیم جواب بدهیم ولی چه کسی شروع کننده بود؟ دنیا باید جواب این سئوال را بدهد که چه کسی شروع کرد؟ مگر ما کشتی آن‌ها را گرفتیم؟ ما مقابله به مثل می‌کنیم، دزدی است ولی آن‌ها می‌گیرند قانونی است؟ این رفتار دوگانه است.

در شرایط کنونی با توجه به گسترش فضای مجازی پنهان کردن حقایق دشوار شده است. هر چقدر سعی کنند پول خرج کنند در نهایت باید به این تناقض پاسخ دهند. کشتی نفتی می‌گیرید و ایران هم مقابله به مثل می‌کند. این عکس‌العمل در نظام حقوقی دنیا وجود دارد. بر اساس اصل حقوقی که در دنیاست عمل کردیم برای این که حق خود را بگیریم البته یک زمانی با توپ‌ها کشورها را نابود و از عرصه سیاسی حذف می‌کردند. آن دوران گذشته است چرا که دوران بزن در رو گذشته است. بزنید می‌خورید. این هم اتفاقاً یکی از برکات انقلاب اسلامی و در سایه استقلال ماست.

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب استقلال ماست که بدون اجازه آن‌ها عمل می‌کنیم. استقلال نداشته باشید باید اجازه بگیرید. هیچ کشوری در دنیا نمی‌تواند این کار را کند که سربازان آمریکایی را در خلیج‌فارس دستگیر کند. ایران این کار را کرد. گرفتن کشتی هم با اقتدار بود و در سایه استقلال ما اتفاق افتاد چون خود ما تصمیم می‌گیریم چطور از خود دفاع کنیم. مثل برخی کشورها تابع باشید باید اجازه بگیرید.

در جنگ اراده‌ها تلاش می‌کنند اراده ما را ضعیف کنند. پشیمان شدند چون دادگاهی فرمایشی تشکیل دادند و رفع توقیف کردیم. اگر قدرت نباشد این کار را نمی‌کردند. ابزار اصلی آن‌ها نیز قدرت است. با قدرت جواب دهید مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند (محبوبی، ۱۴۰۱).

### نقش رسانه‌های ارتباط جمعی

در عصر ارتباطات فاصله جوامع بشری بسیار کم شده، اما فاصله میان انسان‌ها زیادتر شده است. هر چه فناوری‌های ارتباطی پیشرفته‌تر می‌شوند منجر به دور شدن انسان‌ها از یکدیگر می‌شود. انسان موجودی اجتماعی آفریده شده و تصور این که به تنهایی زندگی کند خیالی باطل است. این گونه فناوری‌ها خود را بر زندگی اجتماعی انسان تحمیل

می‌کنند و ارتباط دو سویه «انسان با انسان»[۱] را به ارتباط یک سویه «انسان با ماشین»[۲] تبدیل کرده است.

امروزه بخشی از رسانه‌های فارسی زبان تلاش می‌کنند تا تصویری دروغین از جمهوری اسلامی ایران برای ایرانیان داخل و خارج از کشور نشان دهند که در این میان می‌توان به رسانه‌هایی هم‌چون «بی. بی. سی. فارسی» و «من و تو» اشاره کرد.

نظام سلطه برای کشوری مثل هند با بیش از یک میلیارد جمعیت هیچ رسانه هندو زبانی ایجاد نکرده اما برای جمهوری اسلامی بیش از ۲۹۰ رسانه فارسی زبان به راه انداخته است و این نشان می‌دهد نظام سلطه از «رسانه»[۳] به عنوان یک بازوی دیپلماسی عمومی بر ضد جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کند.

تردید افکنی با انتشار موج گسترده‌ای گزارش، خبر و تحلیل از برنامه‌های این رسانه‌هاست تا بتوانند بر همه چیز و همه کس تأثیر بگذارند. ایجاد دو قطبی‌های دروغین و کاذب در کشور یکی دیگر از سیاست‌های رسانه‌های بیگانه بالاخص در ایام انتخابات است که در دستور کارشان قرار می‌گیرد و می‌تواند دست‌مایه خبرنگاران و گزارشگران رسانه‌های خبری قرار گیرد. رسانه‌های داخلی باید با انصاف و عدالت رسانه‌ای را تا حد ممکن رعایت کنند تا افکار عمومی به درستی در رابطه با موضوعات موجود قضاوت کنند.

هندسه نوین بین‌المللی در حال تغییر و دگردیسی است و قدرت‌های نوظهوری هم‌چون چین و روسیه در حال ظهور و بروز هستند و این به معنای این است که جهان در حال یک تغییر اساسی است. پاشنه آشیل جمهوری اسلامی ایران فعلاً اقتصاد است و بر همین اساس مقام معظم رهبری نام‌گذاری سال‌های گذشته را بر مبنای اقتصاد قرار داده‌اند تا در اولویت باشد. حل مشکلات اقتصادی می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را در منطقه غرب آسیا به ثبات و اقتدار نزدیک‌تر کند (عابدینی، ۱۴۰۰).

---

۱. □□□ □□□□ □□□

۲ .□□□ □□□□ □□□

۳. رسانه در لغت به معنی رساندن است و در اصطلاح وسیله‌ای برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد یا جامعه و واسطه عینی و عملی در فرآیند برقراری ارتباط است. آن چه مصداق این تعریف است وسایلی همانند: روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و ... می‌باشند (ازکمپ، ترجمه فرهاد ماهر، ۱۳۷۷).

مرحوم آیت الله کاشانی سال‌ها پیش از آن که در مبارزات ملی شدن صنعت نفت دکتر مصدق را کمک کند، در سرزمین عراق و علیه انگلیس و سیاست‌های انگلیسی ید طولایی در مبارزات ضداستعماری داشت. آن مبارزات به حدی پر رنگ بود که در زمان جنگ جهانی اول و اشغال عراق، وی در زمره علمایی بود که بعد از به بن‌بست رسیدن مسیرهای مسالمت‌آمیز علیه اشغالگران انگلیسی به جهاد پرداخت. در نهایت هم، پس از اشغال عراق و مستقر شدن حاکم انگلیسی بر این کشور برای دستگیری وی جایزه تعیین کردند. همین هم باعث شد که این مبارز ضدانگلیسی راهی ایران شود. همراهی او در تقویت نهضت ضدانگلیسی و ضداستعماری ملی‌شدن صنعت نفت هم روشن‌تر از آن است که نیازی به ادله و برهان داشته باشد. قرار دادن این واقعیت مسلم تاریخ معاصر – که هنوز زمان زیادی از آن نگذشته است – در کنار تصویری که این سال‌ها دستگاه رسانه‌ای انگلیس در حال ترسیم از آیت الله کاشانی است، هر فردی را وادار به تأمل می‌کند.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به حدی در حافظه تاریخی مردم ایران بدنام است که حتی رسانه انگلیسی هم فعلاً توانایی تغییر این تصویر را ندارد. تنها راه باقی، زدن اَنگ این بدنامی به بعضی چهره‌های خوش‌نامی است که نه فقط دامن‌شان از ارتباط با بیگانه پاک است، بلکه سراسر عمر و حیات‌شان هم مبارزه با استعمار بوده و مرحوم آیت الله کاشانی یکی از همین چهره‌هاست.

تغییر تاریخ و واقعیات تاریخی با خلق یک روایت نادرست و دخیل دانستن یک مبارز مذهبی و ضداستعماری در یک کودتای ضدملی و ضدوطنی که باعث استمرار سلطنت پهلوی شد. تغییر روایت باعث تغییر تصویر واقعیت در افکار عمومی می‌شود. هدف این جنگ روایی، ادراکی و شناختی برهم زدن دستگاه تحلیلی افکار عمومی و تصمیم‌گیری او در جهت معادلات و منافع استعمار و استکبارگران است.

تاریخ و مسائل تاریخی هم بهترین دست‌مایه برای این کار است. هم موضوع، موضوع تخصصی است و شبهه‌زدایی از آن نیاز به اطلاعات و شناخت تخصصی دارد و هم این که عمده کنشگران آن واقعیات هم اکنون در قید حیات نیستند که بخواهند در مقام دفاع از حقیقت برآیند. لاجرم، دور از ذهن هم نخواهد بود که مجراهای رسانه‌ای دشمن در سال‌های اخیر به تولید انواع و اقسام برنامه‌ها و مستندات به قصد نمایش معوج از پیش از

انقلاب و تطهیر پهلوی به طور خاص روی آورد. تصویر دروغ «یک ایران نوین و پیشرفته» در پیش از انقلاب در تلویزیون‌های معاند فارسی زبان به حدی از واقعیات مسلم تاریخی فاصله دارد که حتی مایه مضحکه و تمسخر خود مخاطبان‌شان را هم فراهم آورده است. در این جنگ روایی، حتی به چهره‌های ضداستعماری تاریخ هم رحم نشده است: از شخص حضرت امام خمینی (ره) و تحریف شخصیت ایشان تا انگلیسی معرفی کردن نهضت انقلابی و اسلامی مردم ایران و نیز دیگر شخصیت‌هایی مانند آیت الله کاشانی و دخیل دانستن ایشان در کودتای ۲۸ مرداد و میرزا کوچک خان جنگلی و تحت‌الحمایه بودن وی از جانب روس‌ها و متهم کردن امیرکبیر به ارتباط و حمایت انگلیس از وی! کسانی که عمر و جان و مال و حیات‌شان در راه مبارزه با استعمار صرف شده بود، اما حالا بوق‌های تبلیغاتی در حال ارائه تصویر جدیدی هستند که مطلوب استکبار و استعمار باشد.

مصادیق تحریف واقعیت و قدم گذاشتن در جنگ روایت‌ها تنها مختص به حوادث سال‌های دور نیست. اشاره اخیر رهبر فرزانه انقلاب (مدظله‌العالی) درباره تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران به‌وسیله دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از حوادثی است که هر چند سال‌های زیادی از آن نمی‌گذرد، اما همین موضوع هم دستاویز تحریف و جنگ روایت‌ها قرار گرفته و سعی شده تصویری از آن ارائه شود که مطلوب آمریکایی‌ها و نظام سلطه باشد. تصویری که می‌تواند دستگاه محاسباتی افکاری عمومی را به شکل مطلوب تغییر دهد. تولید یک فیلم سینمایی در «هالیوود»[۱] و اهدای جایزه بهترین فیلم اسکار ۲۰۱۲ به آن، به‌وضوح ماهیت روشن و سیاسی آن را آشکار کرد. وضعیت به حدی واضح و روشن بود که حتی مراسم اعلام جایزه هم توسط میشل اوباما، همسر رئیس جمهور وقت آمریکا و به‌صورت پخش زنده تلویزیونی و از داخل کاخ سفید صورت گرفت.

تلاش برای ارائه روایت‌های تقلبی از واقعیات در تاریخ اسلام نیز نمونه‌های فراوانی دارد. روی آوردن دشمن به این ابزار و تلاش برای جا انداختن واقعیات آن‌گونه که مطلوب اوست، دارای دو معنای تلویحی است. نخست آن که این اقدام و روی آوردن به روایت‌سازی و روایت معکوس از تاریخ بعد از تلاش‌های ناکام جنگ نظامی و اقتصادی

---

۱. Hollywood

علیه جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد. به عبارت بهتر، نفس روی آوردن دشمن به این عرصه نشان دهنده آن است که دشمن حداقل از فشار نظامی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران ناامید شده و لاجرم به یک جنگ شناختی و ادراکی روی آورده است.

اما سمت دیگر این واقعیت، احساس خطر و زنگ هشدار است. تغییر نگرش‌های شناختی و ادراکی یک جامعه و روایت‌سازی‌های دروغ از واقعیت، دستگاه محاسباتی جامعه را تغییر داده و در بلندمدت آن‌ها را به سمت و سوهایی خواهد کشاند که مطلوب همان کسانی است که روزگاری برای مهار انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی را به ایرانیان تحمیل کردند و بعد هم به فشارهای اقتصادی روی آوردند. تأسف‌بار آن که بعضی چهره‌های داخلی هم در این میان کمک حال این جنگ روایی و شناختی شده‌اند و آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

در چنین موقعیتی است که روایت صحیح و درست از تاریخ و انقلاب و مبارزات ضداستعماری ملت ایران اهمیتی دو چندان می‌یابد و هشدار اخیر رهبر فرزانه انقلاب هم معنادارتر می‌شود: «این همان حرفی است که بنده همیشه می‌گویم؛ شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلاب‌تان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر حادثه دفاع مقدس را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند، هر جور دلش می‌خواهد؛ توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید [آن هم]۱۸۰ درجه خلاف واقع؛ جای ظالم و مظلوم را عوض می‌کند. شما اگر حادثه تسخیر لانه جاسوسی را روایت نکنید – که متأسفانه نکردیم – دشمن روایت می‌کند و کرده؛ دشمن روایت کرده، با روایت‌های دروغ. این کاری است که ما باید انجام بدهیم؛ وظیفه جوان‌های ماست (آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۴۰۰/۹/۲۱).

## مدیریت ادراک

موضوع مدیریت ادراک، یکی از زمینه‌های اصلی فهم عمیق و دقیق جنگ شناختی است. مزیت رقابتی در جنگ شناختی متعلق به کسی است که اولین قدم را بردارد و «زمان»، «مکان» و «وسیله تهاجم» را مشخص سازد. جنگ شناختی به دنبال این است که

افکار عمومی را تکه تکه کند. بر همین اساس جنگ رسانه‌ای یکی از فضای‌های شکل‌گیری تهدیدات دشمنان انقلاب اسلامی در استمرار پروژه‌های «ایران ستیزانه» خود در حوزه رسانه‌هاست. مقوله‌ای که هجمه‌های تبلیغاتی و بمباران‌های خبری بسیاری از آن را به وضوح در حوادث و رویدادهای مختلف سیاسی – اجتماعی علیه انقلاب اسلامی درک و تیر و ترکش‌های نابرابر آن را در موضوعات مختلفی با سیاه‌نمایی و شایعه‌پردازی‌های دروغین لمس نموده‌ایم.

در واقع رویکرد جنگ رسانه‌ای از آن جهت به‌عنوان پرکاربردترین حربه تهاجمی دشمنان انقلاب اسلامی قرار گرفته است که با کم‌ترین هزینه ممکن بیش‌ترین بهره‌برداری با انعکاس سریع و حجم وسیع را برای تأثیرگذاری بر مخاطب را به‌دنبال داشته و تلفات بسیاری را نیز به‌وجود آورده است. به عبارت دیگر جنگ رسانه‌ای یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های جنگ نرم و جنگ‌های جدید بین‌المللی است.

اگر چه رسانه‌ها بیش‌تر به هنگام جنگ‌های نظامی کاربرد بیش‌تری پیدا می‌کند، اما این به آن معنی نیست که در سایر مواقع جنگ رسانه‌ای مورد استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه جنگ رسانه تنها نبردی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به‌صورت غیررسمی ادامه دارد و هر کشوری از بیش‌ترین توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه بهره‌برداری می‌کند.

باتوجه‌به تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در آمادگی در برابر جنگ نرم دشمنان انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با فرافکنی‌ها و هجمه‌های رسانه‌ای آنان، ضرورت دشمن‌شناسی و تبلیغ و تبیین راهکارها و اهداف دشمن از ضروریات اجتناب‌ناپذیری است که آماج تهدیدات آنان را خنثی می‌سازد. از این رو با بالا بردن ظرفیت «مسؤولیت‌پذیری»، «هوشیاری» و «آگاهی‌های عمومی» می‌توان با این رویکرد دشمنان انقلاب اسلامی مقابله کرد و با سازماندهی و جهت‌دهی مناسب در راستای بصیرت‌افزایی عمومی در جامعه از طریق رسانه‌ها در برابر هجمه‌های رسانه‌ای دشمنان ایستادگی نموده و تهدیدات آنان را خنثی کرد (داداش زاده، ۱۳۸۹).

در ادامه با پرداختن به مباحثی همچون جنگ ادراکی، خاستگاه جنگ ادراکی عناصر جنگ ادراکی، شگردهای جنگ ادراکی برآنیم تا ابعاد وجودی هر یک از شقوق جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران را مورد واکاوی، بررسی و مطالعه قرار دهیم:

**جنگ ادراکی**

در مورد جنگ اطلاعاتی، ادراک، عنصر اصلی و عامل کلیدی در راه موفقیت است. جنگ ادراکی مبحث جدیدی نیست ولی تا کنون به آن به عنوان بخش نهفته و ضمنی دیگر مفاهیم جنگی توجه شده است. منطقی است باور کنیم که ما دائما آماج هدف حملات ادراکی می‌باشیم اما علت به‌وجود آورنده این جنگ چیست؟

**خاستگاه جنگ ادراکی**

این سیستمی که می‌تواند یعنی به خودش حق می‌دهد که سرزمین یک کشوری را تصرف کند، آیا به خودش حق نمی‌دهد که بر روی ذهن آن‌ها اثر بگذارد؟ شما گفتید که [این فنّاوری] می‌تواند اضطراب و ترس را برطرف کند؛ [امّا] می‌تواند اضطراب و ترس را هم ایجاد کند؛ می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها هم اثر بگذارد؛ اگر بتواند نمی‌کند این کار را؟ قطعاً می‌کند (آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۷/۶/۱۵).

**عناصر جنگ ادراکی**

«پیپر» (۱۹۶۷) فعالیت‌های ادراکی را فعالیت هوشمندی تلقی می‌کند که مانند پلی، اطلاعات حسی دریافت شده انتقال می‌دهد.

وزارت دفاع آمریکا مدیریت ادراک را چنین تعریف می‌کند: مجموعه فعالیت‌ها برای قبول و یا رد اطلاعات و علامت‌ها به مشاهده‌گران خارجی برای تأثیرگذاری بر احساسات ، انگیزه‌ها و استدلال‌های منطقی‌شان برای تأثیرگذاری بر سیستم‌های اطلاعاتی و رهبران در تمامی سطوح که در نهایت این تأثیرگذاری موجب بروز رفتار و کردار بیگانگان در راستای اهداف پایه‌گذاران و پیشروان مدیریت ادراک می‌شود.

«سایمون» (۱۹۸۷) نشان داده که آنچه موجب تفاوت میان یک بازیگر با تجربه و یک تازه کار در بازی شطرنج می‌شود، توانایی بازیگر با تجربه در مشاهده شیوه‌های گوناگون

---

۱. □□□□□□

در شرایط مختلف است که به دنبال ساختارهای شناخته شده می‌آید ولی اگر هیچ ساختاری نباشد، بازیگر با تجربه دیگر قدرت خاصی برای غلبه کردن در اختیار نخواهد داشت.

در نتیجه مفاهیم سنتی جنگ اطلاعات را چنین فرض می‌کند که فقط یک حقیقت وجود دارد و این که جنگ برای کنترل توانایی افراد برای مشاهده تصویر حقیقی شرایط است ، ولی بدون وجود تنها یک حقیقت ، جنگ اطلاعات موظف است که برای تغییر دیدگاه عمومی نسبت به واقعیت نیز اطلاعاتی را فراهم کند (کرکی، ۱۳۸۳).

**شگردهای جنگ ادراکی**

در سال‌های اول انقلاب اسلامی که ریگان رئیس جمهور آمریکا بود، « آلکساندر دومرانش[۲] رئیس سرویس اطلاعات فرانسه در جلسه‌ای به «رونالد ریگان[۳] گفت: «آقای رئیس جمهور! برای مبارزه در این نوع جنگ، چندین راه وجود دارد ... پیشنهاد می‌کنم آنچه را که من عملیات «پشه مالاریا» نامیده‌ام، شروع کنیم. چون پشه مالاریا، اگر چه نمی‌تواند حریف خود را بکشد اما می‌تواند خواب و خوراک را از او بگیرد و او را ناآرام کند و کاری کند که فقط به خود مشغول باشد».

سه دهه بعد «نفتالی بنت[۴]، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در دیداری با «جو بایدن[۵]، رئیس جمهور آمریکا سخن از عملیات «مرگ با هزاران ضربه چاقو» بر زبان می‌آورد. او می‌گوید ما توان براندازی نظام ایران با یک یا چند عملیات بزرگ را نداریم اما می‌توانیم با یک سلسله عملیات امنیتی، نظامی و رسانه‌ای کوچک، بر پیکره ایران ضربات متعدد وارد کنیم که اولاً به خود مشغول شود و ثانیاً قوای او به تدریج تحلیل برود و دچار ضعف و مرگ شود.[۶]

---

۲ . Simon

۱. □□□□□□□□□□ □□□□□□□□□□

۲ .Ronald Reagan

۳. □□□□□□□□ □□□□□□□□

۴. □□□ □□□□□

۶ . به موازات این اقدام خصمانه بیرونی، جریان رادیکال و افراطی شکست خورده اصلاحات در انتخابات ۱۴۰۰ تلاش می‌کند با آدرس غلط دادن و سیاه‌نمایی با عملیات رسانه‌ای در بستر شبکه‌های اینترنتی، مردم را موفقیت دولت

در واقع اساسی‌ترین عامل جولان «تقی زاده»های داخلی تداوم مشکلات اقتصادی است که اگر این مشکلات حل شود آن‌ها خلع سلاح خواهند شد. به همین دلیل در راهبرد مرگ با هزاران ضربه چاقو و فشار هوشمند همه جانبه، بعد از روی کار آمدن دولت سیزدهم این فشار به حوزه‌های حساس و مرتبط با زندگی روزمره مردم متمرکز شده است.

---

انقلابی و مردمی آقای رئیسی ناامید کرده و با تکرار مکرر این کلید واژه که «دیدید رئیسی هم نتوانست تنها راه نجات را ایجاد جنبشی فراگیر»! به دست تمامی اقشار جامعه معرفی کند. این یک راهبرد ذهنی - روانی با تصویرسازی‌های غلط برای شکل‌گیری ادراکات نادرست و محاسبات نادرست و پروژه مشغول‌سازی و گرفتن فرصت خدمت از دولت می‌باشد زیرا موفقیت دولت و جریان انقلابی در حل مشکلات کشور عامل هراس غرب و طرفداران غرب بوده و جاذبه نگاه به غرب را از بین می‌برد و به همین دلیل می‌کوشند به هر طریق ممکن ، مانع از اثبات کارآمدی نگاه انقلابی شوند.

مهم‌ترین اهداف دشمن را در این سه عرصه می‌توان خلاصه کرد:

- مشغول‌سازی در بُعد ادراکی و ذهنی؛
- حیران‌سازی در عرصه عزم و اراده؛
- غافل‌سازی از توان و اقتدار ملی.

تهاجم‌های سایبری مانند حمله سایبری به گمرک بنادر امام خمینی و شهید رجایی؛ حمله هکری به سیستم حمل و نقل ریلی؛ پلیس راهور؛ هواپیمایی ماهان؛ حمله هکری به سامانه هوشمند سوخت‌رسانی و پمپ‌بنزین‌ها؛ اقدامات ایذایی علیه برخی مراکز هسته‌ای و دفاعی؛ ترور نیروهای موثر مانند شهید محسن فخری‌زاده؛ دزدی دریایی و تشدید تحریم نفتی؛ تلاش برای ضربه به جبهه مقاومت در عراق، سوریه و لبنان و ... نمونه‌هایی از این راهبرد ضد ایرانی است و این همان چیزی است که رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) فرمودند: «دشمن با فشار اقتصادی، فشار روانی و فشار عملی (آشوب‌سازی) می‌خواهد ملت ایران را به ستوه آورد»[1](سلطانی زاده، ۱۴۰۰).

پس از آن که دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران نتوانستند از طریق جنگ سخت یا حمله نظامی، انقلاب اسلامی ایران را از پای در آورند، به این نتیجه رسیدند که راه‌های نرم و فروپاشی از درون را برای براندازی مورد استفاده قرار دهند. از این رو جنگ رسانه‌ای را که یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های جنگ نرم و جنگ‌های جدید بین‌المللی است، در دستور کار خود قرار دادند. مردمی که مورد تهاجم و بمباران شدید جنگ رسانه‌ای قرار دارند، حتی ممکن است خود از وجود حملات سنگینی که بر فضای فکری آن‌ها جریان دارد، بی‌اطلاع باشند. هر چند هدف نهایی جنگ رسانه‌ای، تغییر رفتار و عملکرد دولت‌هاست، اما با روشی غیرمستقیم به جای هدف قرار دادن مستقیم دولت‌ها، ملت‌ها را هدف بمباران

---

۱. دشمن در شرایط کنونی از حضور دولت انقلابی، مجلس انقلابی و قوه قضائیه انقلابی و انسجام و همدلی آنان برای رفع مشکلات مردم، سخت ترسناک و بیمناک است و درصدد است نگذارد امید به وجود آمده در مردم به شرایط جدید پایدار بماند. استکبار رسانه‌ای در صدد است با این تحرکات و عملیات با به هم ریختن سیستم عصبی جامعه، قوای سه‌گانه و مسئولان کشور را از کار و اقدام‌های اساسی باز دارد و جامعه را به سمت التهاب و تنش سوق دهد. در شرایط فعلی یک نبرد ترکیبی کامل با ترور ادراکی مردم علیه حکمرانی ملی در جریان است که راهکار مقابله با این جریانِ «رسانه پایه» و اغواگر، «جهاد تبیین» است.

خود قرار می‌دهد. به این صورت که افکار عمومی را نسبت به موضوع یا پدیده‌ای قانع می‌نمایند و به سمت و سوی دلخواه جهت می‌بخشند، دولت‌ها نیز ناچاراً تحت فشار افکار عمومی، به آن سمت کشیده خواهند شد (رنجبران، ۱۳۸۹).

رهبر فرزانه انقلاب (مدظله‌العالی) به عنوان بالاترین مقامی که بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظیفه اعلان جنگ یا صلح را بر عهده دارند، در این خصوص فرموده‌اند: «بر اساس اطلاعاتی که در اختیار داریم، دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی با حمایت مالی قارون‌های منطقه اطراف کشور ما، تشکیلاتی را برای این جنگ رسانه‌ای راه‌اندازی کرده‌اند و به طور جدی در حال برنامه‌ریزی و تلاش برای آلوده کردن فضای تبلیغاتی و فکری جامعه هستند (آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۷/۶/۱۵).

## توصیف جنگ رسانه‌ای

– پشت صحنه جنگ‌های رسانه‌ای، سیاست رسانه‌ای قدرت‌ها و نظام سلطه به مثابه راهبرد این حرکت قرار گرفته است که به صورت رسمی و سازمان‌یافته، اما پنهان با اختصاص بودجه‌ای سرّی توسط سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی، سرویس‌های جاسوسی و تشکیلات ویژه نظامی هدایت می‌شوند.

– جنگ رسانه‌ای اقدامی است که با همکاری و هماهنگی کامل بخش‌های سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، رسانه‌ای و عملیات روانی و تبلیغی یک کشور صوت می‌گیرد و هر چه این هماهنگی بیش‌تر و بهتر باشد موفقیت جنگ رسانه‌ای نیز بیش‌تر خواهد شد.

– جنگ رسانه‌ای، جنگی آرام و نامحسوس و بدون کوچک‌ترین خون‌ریزی، تلقی می‌شود.

– جنگی است که در گوشی‌ها، صفحات روزنامه‌ها و میکروفن رادیوها، صفحات مونیتورها و تلویزیون‌ها و عدسی دوربین‌ها، جریان دارد.

– خبرگزاری‌ها مانند پایگاه‌های نظامی کشورها تلقی می‌شوند که از آن‌ها برای حملات موشکی و هواپیمایی استفاده می‌کنند.

– در جنگ رسانه‌های خبرها به مثابه گلوله‌های تفنگ بوده ولی بسیار کم هزینه تر هستند، به عبارتی دیگر متقاعد ساختن افراد جهت تغییر رفتار و تمایل آن‌ها به خود، بسیار به صرفه‌تر از کشتن است.

– در جنگ‌های نظامی کشورهای سلطه گر برای اعمال قدرت و پیروزی در جنگ‌ها، تجهیزات جنگی و موشکی خود را به کشور هدف نزدیک می‌کنند. از ناوهای هواپیمابر بزرگ گرفته تا پایگاه‌های منطقه‌ای ولی در جنگ‌های رسانه‌ای برای انتقال اخبار و جنگ روانی خود از فراهم کردن زیرساخت‌های ارتباطی حتی به صورت رایگان در کشور هدف به دست خودشان بهره می‌برند تا کلیه مردم به اخبار دستکاری شده آن‌ها دسترسی داشته باشند.

– سربازان جنگ‌های رسانه‌ای نویسندگان، خبرنگاران، مفسران، تصویربرداران، تولیدکنندگان خبری و مطبوعاتی، کارگردانان، تهیه‌کنندگان و عکاسان رسانه‌ها هستند.

– سلاح و تجهیزات جنگ‌های رسانه‌ای ابزارهایی هم‌چون: رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره، خبرگزاری‌ها، دوربین‌ها، کاغذ و قلم و دستگاه‌های چاپ و نشر می‌باشد.

– طراحان جنگ رسانه‌ای لزوماً فرماندهان نظامی نیستند بلکه سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی، حتی اساتید و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های معتبر هر کشوری می‌توانند باشند.

جنگ شناختی

جنگ شناختی[1] به معنای هدف قرار دادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه هدف با تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت است. این نوع جنگ شکل تکامل یافته‌تر، پیشرفته‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تر جنگ روانی است که مبتنی بر جامعه شبکه‌ای (با زیرساخت رسانه‌های نوین) بوده و با مدیریت ادراک و برداشت انجام می‌گیرد. تغییر نگرش در جامعه کشور هدف، اختلال و خطا در دستگاه محاسبات تصمیم‌گیران، اثربخش نمودن جنگ اطلاعاتی، ایجاد گسست عاطفی – ادراکی بین توده‌ها و نخبگان با حاکمیت و در نهایت تضعیف و زوال سرمایه اجتماعی برخی کارویژه‌های جنگ شناختی هستند.

---

۱. □□□□□□□□□ □□□□□□□

اصولاً در جنگ شناختی با جنگ «کلمه» و «عقیده» روبه‌رو هستیم، همان چیزی که باعث می‌گردد روایتی غالب شود و افکار عمومی به آن فکر کنند. البته نظریه‌پردازان این حوزه نیز بر این باورند جنگ شناختی و جنگ نرم تاثیرگذاری و انجام دادن رفتارهایی است که نیروی قوی‌تر می‌خواهد طرف مقابل انجام دهد بدون این که هیچ اجبار و فشاری در کار باشد. به واقع، «جنگیدن و پیروزی امتیاز عالی نیست، امتیاز عالی در شکستن مقاومت دشمن بدون جنگیدن است». عملیات روانی در واقع «نبرد علیه عقل دشمن است نه نبرد برای در بند کشیدن ساختار فیزیکی دشمن»! از این منظر تغییرات سبک زندگی، نگرش‌ها، باورها، القای حس بدبینی و ناامیدی نسبت به آینده، تضادآفرینی، تردیدآفرینی و ... از نتایج بی‌دفاعی در برابر جنگ شناختی دشمن است. راه کاهش خسارات جنگ شناختی علاوه بر اتخاذ سیاست‌های دقیق رسانه‌ای، ارتقای سواد رسانه‌ای مخاطبان است تا در برابر رسانه‌ها بی‌سلاح نباشند. تغییرات فرهنگی و اساساً راهبردهای جنگ شناختی خزنده، آرام و تدریجی رخ می‌دهند. یکی از بحث‌های مهم سواد رسانه‌ای هم این است که مخاطب در مواجهه با پیام‌های رسانه‌ای از خود بپرسد از این پیام چه ارزش‌ها، سبک زندگی و عقایدی برای من نوعی ایجاد یا در من نوعی از بین می‌رود. در عصر حاضر صحبت از اصابت خمپاره بر روی خانه و کاشانه مردم یک کشور نیست بلکه از خانه‌ها مهم‌تر، باورهاست که امروزه توسط انواع رسانه‌ها بمباران می‌شوند. می‌توانید تسلیم شوید و منفعل! می‌توانید هوشمند باشید و فعال! شاید سواد رسانه‌ای به تنهایی نسخه قطعی برای مصونیت و واکسینه شدن نباشد اما قطعاً نسخه لازم و ضروری است. لذا برای کاهش تأثیرات منفی رسانه‌ها بر روی مخاطبان نیز نیازمند عبور از شعارزدگی و درک ضرورت فراگیری سواد رسانه‌ای از سوی مسئولین نظام، رسانه‌ها و مردم هستیم (نصیری، ۱۳۹۸).

در «جنگ شناختی» اعتقادات، نگرش‌ها و رفتار نخبگان و عامه جامعه هدف قرار می‌گیرد. به عبارت دقیق‌تر، در جنگ شناختی مدیریت ادراک صورت می‌گیرد که ترکیبی از طرح‌ریزی، عملیات امنیتی، پوشش و فریب و عملیات روانی است و به تغییر و دستکاری شناخت جامعه نسبت به نظام سیاسی منجر می‌شود.

در این بُعد مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در نخستین بند از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به مطالعه تاریخ انقلاب اسلامی و شناخت گذشته اشاره می‌نمایند و ابتدا به

موضوع «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، بایدگذشته را درست شناخت» اشاره می‌نمایند. این یعنی همان موضع آسیب‌پذیر که دشمن با دستکاری، وارونه گویی و جَعل تاریخ وارد صحنه شده است.

صحنه گردان این عرصه عمدتاً رسانه‌ها، نخبگان سیاسی و جریان‌های سیاسی مخالف، معاند و برانداز با پشتیبانی کامل مالی و رسانه‌ای غول رسانه‌ای جهان است. ساعت‌ها برنامه‌سازی، گفت‌وگو، مُستندسازی، موشن‌گرافی و نرم‌افزارسازی در فضای رسانه‌ای مجازی و واقعی صورت گرفته است.

در این بین غفلت و کم توجّهی رسانه‌های رسمی و دولتی و خصوصی داخلی به این حجم از تهاجم و بی‌انگیزگی در پاسخ دهی به شبهات و ابهامات به این فضا دامن زده است. در این عرصه نیز رهبر فرزانه انقلاب (مدظله‌العالی) شخصاً به میدان مبارزه پا نهاده و ضمن تبیین مُدام و دائمی تاریخ ایران در انواع دیدارها و سخنرانی‌های انجام شده، بخش نخست بیانیه را به «تحکیم پایه‌های شناختی» اختصاص داده‌اند.

## آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه صفر

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر آغاز شد:

– اول آن که همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اوّلین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه – و نه به زور شمشیرخود – بر سرِ کار آمده بود و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت‌های غربی و چه وضع به شدّت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فنّاوری و سیاست و معنویّت و هر فضیلت دیگر.

– دوم آن که هیچ تجربه پیشینی و راه طی‌شده‌ای برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریّت و اسلامیّت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ حضرت امام خمینی (ره)، به دست نیامد و این نخستین درخشش انقلاب بود.

به واقع، تنها با تبیین و تشریح و تحلیل همین بند ابتدایی بیانیه بسیاری از مُشکلات «ادراکی و شناختی» جامعه و حتّی نخبگان برطرف شده و دشمن در نخستین حرکت تاکتیکی خود در «تغییر باور و شناخت مردم و نخبگان» و به تَبع آن در «تغییر رفتار آنان» متحمل شکست سنگینی خواهد شد. ابعاد این تحلیل می‌تواند ترسیم کننده دقیق شرایط شکل‌گیری انقلاب اسلامی به شرح زیر باشد:

– هجوم تمام عیار دنیای استکبار به ایران و ساختن یک کشور وابسته با مسئولان دست بسته و دست نشانده و نوکر استکبار جهانی.

– عقب‌ماندگی شدید کشور، اقتصاد وابسته به نفت، شکنندگی برابر تغییرات اقتصادی جهان، فقدان تکیه‌گاه داخلی اقتصادی و ضعف پایه‌های اقتصادی کشور که همه این موارد به دلیل خُلق و خوی استبدادی و وابسته بودن حاکمان به غرب بوده است.

– عقب نگهداشته بودن کشور در همه ابعاد فنّی، مهندسی و وضع به شدّت نابسامان داخلی و عقب افتادگی شرم‌آور در علم و فنّاوری و سیاست و معنویّت و هر فضیلت دیگر.

مجموعه این عوامل موجب حدوث و رویداد «انقلاب اسلامی» شد. رویدادی که در صدد اصلاح وضعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور بود و پرچمدار این تغییرات امام راحل (ره) بود. آن روح خُدا که در کالبد ملّت بزرگ ایران دمیده شُده بود با افشای وابستگی خاندان منحوس پهلوی و بر شماری آسیب‌های این وابستگی، به روشنگری و بصیرت‌افزایی مردم اقدام نموده و پایه‌های آن حکومت وابسته را متزلزل نمود. ملت هوشیار و ولایت‌مدار نیز با تبعیت از آن انسان وارسته و الهی دِل به دَریای مُخاطرات زد و باعث سرنگونی و اضمحلال آن گردید و با شرکت در انتخابات متعدّد، شکل حاکمیت، نحوه اداره و حتّی ساختار آن را برقرار کردند.

از بین بردن سرمایه‌های اجتماعی و معنوی نظام که سال‌ها با نظام همراه و همدل بود، یکی از ویژگی‌های این جنگ است. برای این منظور دشمن با مستندسازی‌های پیچیده و حیله‌های رسانه‌ای زیرساخت‌های فکری و مذهبی نظام را زیر سئوال برده و اعتقادات گذشته مخاطبان را با تردید روبه‌رو می‌کند.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با شناخت دقیق از این ترفند دشمنان اسلام در جنگ شناختی در ابتدای «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» به تبیین ثمرات و برکات وقوع انقلاب

اسلامی پرداخته و می‌فرمایند: «انقلاب اسلامی، بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی هم‌چون جنایات غرب به خصوص آمریکا، مسئله فلسطین و ظلم تاریخی به ملّت آن، مسئله جنگ افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملّت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه محدود و عزلت گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد. این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه کشور و همه ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

پیروزی در جنگ شناختی سبب می‌شود دشمن در کوتاه مدت توانایی اثرگذاری بر رفتارهای جامعه را به دست آورد و رفتارهای آنان را در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی دیپلماتیک به سمت مورد نظر خود سوق دهد. به شهادت تاریخ سه دهه و اندی از زعامت و رهبری آیت العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تقریباً همیشه و در هر شرایطی به تبیین وضعیت دوران حاضر، دلائل دشمنی استکبار جهانی با نظام اسلامی، شیوه‌های مقابله با آنان را نیز مشخّص نمودند. در همان «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» نیز معظم له بیان می‌فرمایند: «دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهزنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظام‌اش نمی‌توان شنید».

تغییر باورهای نظام اسلامی یکی از کار ویژه‌های اصلی جنگ ادراک است که در آن باور به اسلام، باور به کارآمدی نظام اسلامی و باور به امکان تداوم نظام اسلامی هدف قرار می‌گیرد و حتی با روش‌های پیچیده درصدد بر می‌آید دوستان انقلاب را نسبت به آینده ناامید و مأیوس کند!

در این مقوله نیز مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با درک و شناخت هوشمندانه توطئه دشمن در این مرحله «جنگ شناختی» تصویری دلنشین از صحنه این جنگ به نمایش می‌گذارند: «پس از آنگاه انقلاب ملّت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجّه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه ملّت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و

برخی دولت‌های مایل به استقلال و ازسویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد. دشمنی‌ها با همه شدّت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملّت و رهبری آسمانی و تأیید شده امام عظیم‌الشّأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد»!

برای به ثمر رساندن این «راهبرد جدید» و خنثی کردن «تک مذبوحانه دُشمن در جنگ شناختی»، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) افقی روشن از توانمندی‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ترسیم می‌فرمایند. آنجا که از تحقّق وعده خُدا در پیروزی مستضعفان جهان و ثمرات شُعار «ما می‌توانیم» صحبت به میان می‌آورند. مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه عرصه‌هاست.

به رغم همه این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی ایران روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. در این ۴۴ سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفت‌های ملّت ایران آنگاه به درستی دیده می‌شود که این مدّت، با مدّت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی هم‌چون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب هند مقایسه کرد.

مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید. نتیجه این که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با درک و شناخت هوشمندانه توطئه دشمن در این مرحله از انقلاب اسلامی، که مرحله تمدّن‌سازی و ورود به معادلات سیاسی راهبردی است ، «جنگ شناختی و اِدراکی دُشمنان» را دقیق رَصد کرده و با تبیین و نشر «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» شخصاً به مقابله با آن رفته و با مخاطب قرار دادن نسل جوان (هدف نزدیک دشمن) ضمن تبیین شرایط موجود برای مقابله با آن نیز ارائه طریق نمودند.

به شُکرانه این «نعمت بزرگ الهی – داشتن رهبری دِلسوز، حکیم، آگاه و بصیر و متصل و متمسّک به حبل الله و اُمیدوار به وعده‌های الهی _ ان‌شاءالله با رهبری داهیانه ایشان و همراهی و همگامی ملّت سترگ و نستوه ایران ، این کشور بزرگ را_ به رغم میل دُشمنان

و کینه توزی مخالفان _ در طراز و جایگاه عالی خود خواهیم دید.« مَنْ کَانَ یُرِیدُ الْعِزَّةَ فَلِلّه الْعِزَّةُ جَمِیعًا إِلَیْهِ یَصْعَدُ الْکَلِمُ الطَّیِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ یَرْفَعُهُ وَالَّذِینَ یَمْکُرُونَ السَّیِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ وَ مَکْرُ أُولَئِکَ هُوَ یَبُورُ»[1]؛ هر که طالب عزت است (بداند که همانا در ملک وجود) تمام عزت خاص خدا (و خداپرستان) است. کلمه نیکو (ی توحید و روح پاک آسمانی) به سوی خدا بالا رود و عمل نیک خالص آن را بالا برد. و بر آنان که به مکر و تزویر اعمال بد کنند عذاب سخت خواهد بود و فکر و مکرشان به کلی نابود خواهد شد (دیلم کتولی، ۱۴۰۱).

## جنگ ترکیبی

جنگ آمیخته یا جنگ ترکیبی[2]به یک راهبرد نظامی گفته می‌شود که آمیخته‌ای از جنگ سیاسی، جنگ کلاسیک، جنگ نامنظم، جنگ مجازی، خبررسانی جعلی، دیپلماسی، جنگ دادگاهی، مداخله در انتخابات کشورهای خارجی، برهم زدن بافت جمعیتی، مهاجرپذیری، یورش فرهنگی، ایجاد تضاد دینی و این‌گونه موارد ساخته شده باشد. سازنده این راهبرد تلاش می‌کند با آمیختن روش‌های گوناگون، بیش‌ترین آسیب را به کشور میزبان وارد کند.

برای نخستین بار «فرانک هافمن»[3] این روش از جنگ را پیشنهاد کرد. طی دهه گذشته مباحث و مطالب زیادی در مورد «تغییر شیوه مبارزه، پس از دوره جنگ سرد» مطرح شده است. برخی از کارشناسان بر این باورند که «انقلابی در شیوه‌های مرسوم جنگ» پدید آمده است.

فرانک هافمن این بحث‌ها و نوشته‌ها را با توجه به درک کامل این نکته که جهان در حال ورود به دوران زمانی خاصی است – زمانی که دشمنان آمریکا و غرب انواع مختلفی از جنگ را به طور هم‌زمان به کار می‌گیرند – مطرح می‌کند. وی این ایده را «جنگ ترکیبی» می‌نامد.

---

۱. سوره فاطر، آیه ۱۰.

۲.□□□□□□□□ □□□□□□□

۱. □□□□□ □□□□□□□

فرانک هافمن اشاره می‌کند که دشمنان امروز و آینده، مجموعه الگویی از جنگ‌های مختلف را به کار خواهند گرفت. نیروهای شبه دولتی، اغلب ممکن است حالت‌هایی از جنگ غیرمعمول را به کار بگیرند، اما اگر نبرد معمول (سنتی)، آن‌ها را به اهداف‌شان برساند، در آن حضور خواهند یافت. به طور مشابه ممکن است که حکومت‌ها علاوه بر روش‌های مرسوم جنگ برای رسیدن به اهداف‌شان در نبردهای غیرمعمول نیز شرکت کنند (مکالو؛ جانسون و زواره‌ای،۱۳۹۵).

## نتیجه‌گیری

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در پانزدهم شهریور ماه ۱۳۹۷، الگویی عملی برای مقابله با جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی دشمن باید توسط مسئولین و نخبگان و رسانه‌ها را مطرح فرمودند. معظم له با بیان صریح از جنگ رسانه‌ای فرمودند: «امروز نظام اسلامی با یک جنگ همه‌جانبه اقتصادی مواجه است که از یک اتاق جنگ و با دقت و اهتمام کامل هدایت می‌شود[1] اما در کنار این جنگ، یک جنگ مهم رسانه‌ای و تبلیغاتی نیز در جریان است که بیش‌تر اوقات از آن غفلت می‌شود. با اشاره به اهمیت و ضرورت وحدت و انسجام ملی و شکل‌دهی افکار عمومی و تأکید بر این که اگر در هر اوضاع و اقتضایی، آحاد مردم به ویژه نخبگان، نسبت به شرایط و جایگاه نظام غفلت کنند، قطعاً ضربه خواهیم خورد، بر نکاتی چند که باید توسط مسئولان و رسانه‌ها برای مقابله با این جنگ رعایت شود تأکید فرمودند».

لذا به نظر می‌رسد این سخنانان به لحاظ جامعیت می‌بایست سیاست و راهبرد اصلی بخش‌های مختلف قانون‌گذاری و اجرایی تلقی گردد که به شرح زیر خواهد بود:

– با توجه به ضرورت تقویت «انسجام مردم و دستگاه‌های مدیریتی کشور» در شرایط کنونی، بخش مهمی از اعتمادسازی و جلب اعتماد در گرو اقدامات دستگاه‌های مختلف است البته تریبون‌داران نیز باید به این کار کمک کنند.

– پرهیز از ایجاد احساس بن‌بست نظام در مردم و این که نحوه گفتن و نحوه اقدام کردن نباید به گونه‌ای باشد که مردم دچار بیماری بدبینی شوند.

– پرهیز از ایجاد فضای یأس و ناامیدی در مردم. این که به‌گونه‌ای صحبت کنیم که بند دلِ شنونده پاره شود و همه چیز را از دست رفته تلقی کند، کار صحیحی نیست.

– دعوا کردن راه اصلاح نیست، هم‌چنان که ایجاد تشکیلات و کار موازی با دولت نیز به صلاح و موفق نخواهد بود و تجربه ثابت کرده است که کار باید به وسیله مسئولان آن، در مجاری قانونی انجام گیرد.

---

۱. در سه مرکز به مفهوم جنگ‌شناختی توجه شده است که یکی مرکز نوآوری ناتو در کانادا، دومی خود مرکز ارتباطات راهبردی ناتو و دیگری دو اندیشکده که تحت مدیریت اسرائیلی‌هاست (غفاری، ۱۴۰۰).

– راه علاج مشکلات کشور، خالی کردن پشت دولت و ابراز برائت از فعالیت دستگاه‌های مسئول نیست، بلکه راه علاج، ایجاد رابطه سالم بین افکار عمومی و دستگاه‌های مسئول، سخن گفتن و انتقاد کردن و در عین حال کمک فکری و عملی کردن است.

– مبالغه در بیان مشکلات و یا انتقادها موجب تشدید اضطراب افکار عمومی و نیز موجب گسترش «ویروس بدبینی» در جامعه خواهد شد.

– مسئولان باید کار را جهادی انجام دهند، البته در موارد خاص که ممکن است قانون جوابگو نباشد و احتیاج به اجازه رهبری باشد، یقیناً همراهی و کمک خواهیم کرد.

– نباید فضای عمومی کشور به گونه‌ای شود که اقدامات و تبلیغات مثبت، قابل باور نباشند، اما سخن دروغ دشمن قابل باور شود زیرا این وضعیت بسیار خطرناک است.

– نکات مثبت و منفی دولت و دیگر دستگاه‌ها در کنار یکدیگر دیده شود. بیان عمل سیئه در کنار عمل صالح موجب می‌شود که مردم بدانند کارها و اقدامات خوب هم وجود دارد و ناامید نشوند.

– وظیفه دولتی‌ها، استفاده از نظرات کارشناسان و تحرک برای حل مشکلات است. وظیفه ما، هدایت دولتی‌ها به سمت استفاده از دیدگاه‌های کارشناسان و حل مشکلات و خوش‌بین کردن مردم نسبت به تلاش‌های آن‌هاست که در چنین صورتی، گره‌های افکار عمومی باز می‌شوند.

– هیچ دولتی بدون کمک و پشتیبانی مردم قادر به فعالیت نیست و نباید اعتماد مردم از دستگاه‌های دولتی، قضایی و نیروهای مسلح سلب شود (حاجی نجاری، ۱۳۹۷).

## نحوه اجرای سیاست‌ها و راهبردها در مقابله با جنگ‌های رسانه‌ای

### ابلاغ سیاست‌ها از طریق کمیته سیاست‌گذاری تبلیغات شورا برای رسانه

بر اساس ماده ۳۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۹۵ چنین آمده است: «مصوبات شورای عالی امنیت ملّی و کمیته سیاست‌گذاری تبلیغات شورا برای رسانه‌ها الزامی است». این مصوبات با قید اسامی یا دسته‌بندی رسانه‌های مورد نظر از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ابلاغ می‌شود و صرفاً برای اسامی و دسته‌های تعیین شده

مسئولیت قانونی دارد. پیشنهاد می‌شود کمیته سیاست‌گذاری تبلیغات شورا سیاست‌های کلی را در حوزه مقابله با جنگ‌های رسانه‌ای تهیه و سیاست‌ها از این طریق ابلاغ کنند.

**ابلاغ سیاست‌ها از طریق همایش سالیانه مدیران رسانه‌ها**

به نظر می‌سد یکی از نیازمندی‌های اساسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه هماهنگی رسانه‌ها، عدم برگزاری نشست‌های سالیانه است که در آن مدیران رسانه‌ای مختلف در یک گردهمایی سراسری به بحث و تبادل نظر و به نوعی هماهنگ‌سازی سیاست‌های کلی کشور در حوزه رسانه صورت پذیرد. هم‌چنین لزوم شرکت در کلاس‌های توجیهی و آموزشی برای مدیران رسانه‌ها ضروری است. مجوز فعالیت رسانه‌ها به صورت سالیانه یا دوسالانه داده شود تا بتوان ضمانت اجرایی لازم برای شرکت در کلاس‌ها داشتن گواهی شرکت مدیران رسانه‌ها در جلسات آموزشی و توجیهی قلمداد شود.

**مقابله با جنگ رسانه‌ای**

اولین مرحله و مهم‌ترین مرحله پذیرش و درک درستی از جنگ نرم در بین مسئولین، مدیران نظام و مردم بنا به نظر رهبری که با صراحت اعلام کردند: جنگ نرم راست است.این یک واقعیت است یعنی الآن جنگ است البته این حرف را من امروز نمی‌زنم. از بعد جنگ از سال ۱۳۶۷ همیشه این را گفته‌ام بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم، چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند (آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۸/۹/۴).

– آگاه‌سازی عمومی و اطلاع‌رسانی در قالب فیلم سینمایی، مقاله، مستند، مصاحبه و ... .

– آموزش، توجیه و تربیت متخصصان مورد نیاز جهت مقابله با جنگ رسانه‌ای.

– اطلاع‌رسانی شفاف، مستند و بی‌طرفانه.

– افزایش سواد رسانه‌ای و فعال‌سازی فرهنگ پرسش‌گری و پاسخگویی محققانه.

– اقلیت‌های جامعه اغلب به سبب داشتن احساس نابرابری، مستعد مخالفت‌ورزی علیه نظام حاکم هستند و دشمنان فرامنطقه‌ای یکی از میدان‌های فعالیت خود را در کشورهایی که دارای تنوع قومیت‌هاست، قرار می‌دهند.

– استفاده از طرح‌های حمایتی در مورد اقوام و اقلیت‌ها ضروری است.

– ایجاد راه‌های مشروع برای ارضاء نیازهای خبری و رسانه‌ای مردم.

– ایجاد یک نهاد حاکمیتی یا خصوصی قوی به منظور هماهنگی دستگاه‌های مختلف جهت مقابله با جنگ رسانه‌ای.

– برگزاری همایش‌ها، نشست‌های تخصصی و هم‌اندیشی، جهت شناسایی و مقابله با جنگ رسانه‌ای.

– برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت در خصوص مقابله با جنگ رسانه‌ای نظام سلطه و اجرای جنگ رسانه‌ای متقابل.

– بهره‌گیری از فناوری برتر رسانه‌ای و امکانات نوین ارتباطی در جهت مقابله با جنگ رسانه‌ای.

– ترویج فرهنگ گفت‌وگو در بین اقشار مختلف جامعه به منظور نزدیک نمودن اقشار مختلف مردم.

– توسعه کمی و کیفی دستگاه‌های مرتبط و امکانات و تجهیزات مورد نیاز.

– رصد طرح‌ها و عملکرد دشمنان داخلی و خارجی در جنگ رسانه‌ای از طریق شناسایی عوامل و امکانات داخلی و منطقه‌ای مرتبط و امکانات و تجهیزات مورد نیاز.

– عملیات روانی رسانه‌ای و متقابل و حملات رسانه‌ای آفندی.

## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.

۲. آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۱۳۸۸)، بیانات در دیدار با جمع کثیری از بسیجیان کشور، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۴.

۳. آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، رهبر جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰)، دشمن بعد از جنگ نظامی و اقتصادی یک جنگ روایی علیه حقایق انقلاب را آغاز کرده است، ۱۴۰۰/۹/۲۱، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰/۹/۲۱.

۴. آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، رهبر جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷)، بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در پایان پنجمین اجلاسیه دوره پنجم مجلس خبرگان رهبری (۱)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۶/۱۵.

۵. ازکمپ، استوارت (۱۳۷۷)، روان‌شناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه فرهاد ماهر، مشهد: آستان قدس رضوی.

۶. حاجی نجاری، عباس (۱۳۹۷)، الگوی عملی مقابله با جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی دشمن، ستاد حقوق بشر قوه قضائیه.

۷. داداش زاده، (۱۳۸۹)، واکاوی جنگ رسانه‌ای غرب علیه ایران.

۸. دهشیری، محمد رضا و سلامت، امیر حسین (۱۳۹۸)، نظام سلطه در اندیشه و دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی (بهار)، سال دوم، شماره ۵، صص.

۹. دیلم کتولی، محمد (۱۴۰۱)، تاثیر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در خنثی‌سازی جنگ‌شناختی، به گزارش پایگاه خبری – تحلیلی گلستان به نقل از زرین نامه، شماره: ۶۵۷۰۰، ۱۴۰۱/۷/۳.

۱۰. رنجبران، داوود (۱۳۸۹)، جنگ نرم، تهران: نشر ساحل اندیشه.

۱۱. سلطانی زاده، ابوالحسن (۱۴۰۰)، عملیات هیبریدی با چاشنی ترور ادراکی، خبرگزاری بسیج،کد خبر: ۹۴۰۱۹۷۰، ۱۴۰۰/۱۰/۴.

۱۲. عابدینی، حسن (۱۴۰۰)، استفاده نظام سلطه از رسانه به عنوان بازوی دیپلماسی علیه ایران، خبرگزاری مهر، کد خبر: ۵۲۱۳۰۰۶، ۱۴۰۰/۲/۲۶.

۱۳. غفاری، سعید (۱۴۰۰)، باید امنیت شناختی جامعه را تضمین کنیم، کد خبر: ۳۰۳۶۶۲، ۱۴۰۰/۱۲/۲۵.

۱۴. کرکی، مهدی (۱۳۸۳)، جنگ ادارای، شیوه نوین درگیری، مطالعات عملیات روانی (پاییز)، شماره ۶، صص ۱۷۶-۱۶۳.

۱۵. محبوبی، قربانعلی (۱۴۰۱)، راز ناامیدی دشمن در ۴ دهه جنگ رسانه‌ای علیه ایران چیست؟ روزنامه جام جم، ۱۴۰۱/۵/۱۸.

۱۶. مکالو، تیموتی؛ جانسون، ریچارد و زواره‌ای، مسعود رضا (۱۳۹۵)، جنگ ترکیبی، ترجمه احمد الهیاری و حمید کریمی، تهران: انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.

۱۷. نصیری، معصومه (۱۳۹۸)، بدون استراتژی رسانه‌ای در جنگ‌شناختی، مغلوب خواهیم شد، به گزارش خبرگزاری مهر، کد خبر: ۴۷۵۸۹۲۷، ۱۳۹۸/۸/۸.